

ملّت، دولت و حکومت قانون

جستار در بیان نصّ و سنّت

جواد طباطبایی

فهرست مطالب

درآمد	۱
جستار ۱	۱۳
جستار ۲	۳۲
جستار ۳	۴۸
جستار ۴	۷۰
جستار ۵	۹۴
جستار ۶	۱۱۸
جستار ۷	۱۴۲
جستار ۸	۱۵۵
جستار ۹	۱۷۴
جستار ۱۰	۱۹۱
جستار ۱۱	۲۱۵
جستار ۱۲	۲۲۶
جستار ۱۳	۲۴۹
جستار ۱۴	۲۶۴
جستار ۱۵	۲۷۴
برخی نکته‌های پایانی	۲۹۰

بحث درباره تاریخ فرهنگ و تمدن ایران نیازمند تدوین و تنقیح برخی مفاهیم و مقولات جدیدی است که به سبب فقدان یک مکتب تاریخ‌نویسی مستقل تاکنون درباره بسیاری از آن‌ها تحقیقی صورت نگرفته است. تاریخ، به عنوان علم، مانند دیگر علوم انسانی و اجتماعی، اگر بخواهد به تبیین دقیقی از «موضوع» خود برسد باید بتواند شئون و وجوه آن را در نظامی از مفاهیم عرضه کند که آن نظام را دستگاه مفاهیم می‌خوانیم. از زمانی که بویژه در اروپا تاریخ به علم تبدیل شده تاریخ‌نویسان مجموعه‌ای از مفاهیم و مقولات را برای تبیین داده‌های تاریخ کشورهای خود تدوین کرده‌اند. در ایران، و برخی از کشورهای اسلامی، به دلایلی که موضوع بحث من در این جا نیست، تاریخ بسیار زود به رشته‌ای از دانش روشمند تبدیل شد،^۱ اما چند سده‌ای طول نکشید که اندیشه تاریخی نیز منحنی زوال اندیشیدن خردگرای سده‌های سوم تا هفتم را دنبال کرد و تا فراهم آمدن مقدمات جنبش مشروطه‌خواهی دستخوش انحطاطی درازدامن شد. در این دوره، نخستین تاریخ‌های جدید ایران را اهل ادبی نوشتند که ردای فعالان سیاسی را نیز بر تن و البته آشنایی‌هایی با تاریخ‌نویسی جدید پیدا کرده بودند. در اروپا، در دوران

^۱ سده‌ای پس از تاریخ‌هایی که شرح احوال «پیامبران و شاهان» بود، ابوعلی مسکویه خرد را ضابطه‌گزینش وقایع تاریخی قرار داد و نوشت: «از روزگار پیش از توفان آنچه آورده‌اند نیز تهی از چیزهایی است که یاد کردن آن را آهنگ کرده‌ایم ... از همین روی، از معجزه‌های پیغمبران ... و کارهایی که به اعجاز کرده‌اند یاد نکرده‌ایم، چه مردمان روزگار ما در پیشامدها از آن پندی نتوانند گرفت ...» ابوعلی مسکویه رازی، تجارب‌الامم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، توس ۱۳۷۶، ج. نخست، ص. ۵۳.

جدید، تاریخ اهمیتی پیدا کرده بود و برخی از ایرانیانی که به کشورهای اروپای غربی سفر و اندکی در احوال مردمان آن کشورها مطالعه می‌کردند بسیار زود به اهمیت تاریخ پی می‌بردند. از نخستین ایرانیانی که التفاتی به جایگاه تاریخ برای فهم دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی آن کشورها پیدا کردند میرزا صالح کازرونی بود که با نخستین گروه دانشجویان ایرانی، و به عنوان سرپرست آنان، به انگلستان رفت و برای این‌که تصویری از «گشتن انگلند»^۱ پیدا کند به مطالعه تاریخ آن کشور روی آورد و در تاریخ انگلستان به جستجوی علل و اسباب دگرگونی‌ها و پیشرفت‌های آن کشور پرداخت. نتیجه‌ای که میرزا از مطالعه تاریخ انگلستان گرفت در این جمله او خلاصه می‌شد که آنان یک‌شبه به این مرتبه از پیشرفت نرسیده‌اند، بلکه «سال‌ها جان‌هاکنده و خون‌ها ریخته‌اند تا به این پایه رسیده‌اند».^۲ بدیهی است که حتی این نتیجه‌گیری در مقایسه با آنچه، دو سده پیش از آن، آذر بیگدلی در توجیه محتوم بودن سقوط شاهنشاهی صفویان گفته بود، که گویا «تقدیر بر تدبیر پوزخند زده است»^۳ پیشرفتی بود، زیرا خواست و توان آدمی را یکسره نادیده نمی‌گرفت. آغاز تاریخ‌نویسی جدید ایران پیوندهایی با پدیدار شدن نوعی از «ملّی‌گرایی» ایرانی دارد و کوششی برای تدوین تاریخ ملّی است، اگرچه هنوز دستگاه مفاهیم تاریخ ملّی از آن غایب است. منظور این است که آن تاریخ‌های ملّی گرایانه‌اند، اما این ملّی‌گرایی بر پایه مواد و مصالح تاریخ ایران تدوین نشده است. این اصطلاح «ملّی‌گرایی» یکی از

^۱ میرزا صالح کازرونی، مجموعه سفرنامه‌ها، به کوشش غلام‌حسین میرزا صالح، تهران، نشر تاریخ ایران ۱۳۶۳، ص. ۲۹۹.

^۲ میرزا صالح کازرونی، همان، ص. ۲۹۴.

^۳ لطف‌علی آذر بیگدلی، تذکره آتشکده آذر، نیمه نخست، به کوشش میرهاشم محدث، تهران، امیرکبیر ۱۳۷۸، ص. ۲-۲۶۱.

مفاهیمی است که تاریخ‌نویسی و علوم اجتماعی جدید در ایران از تاریخ‌نویسی اروپایی وام گرفته است، و این احتمال وجود دارد که کاربرد بی‌رویه آن برای توضیح دگرگونی‌های تاریخ ایران در دوران جدید سودمند نباشد. به دنبال بیش از یک سده‌ای که از آغاز دوره جدید تاریخ‌نویسی ایران گذشته است، اینک، باید بتوان به گذشته بازگشت و با بررسی انتقادی پژوهش‌ها و نوشته‌های تاریخی دستاوردهای آن برای فهم تاریخ ایران را ارزیابی کرد. پیش از آن‌که تاریخ‌نویسی جدید ایران آغاز شود، دگرگونی‌های مهمی در قلمرو روشنفکری ایران پدیدار شده بود و در درون همین بحث‌های روشنفکری بود که نخستین مفاهیمی که تاریخ‌نویسی جدید به آن‌ها نیاز داشت تدوین شد. روشنفکری خاستگاه تکوین نوعی از آگاهی نوآئین‌گروهی از نخبگان ایرانی بود و نخستین دستگاه مفاهیم تاریخ‌نویسی نیز با توجه به همین آگاهی نوآئین تدوین شد. در جای دیگر توضیح داده‌ام که نخست مسافران ایرانی به اروپا و هند انگلیسی بودند که توجهی به نمودهای دنیای جدید پیدا کردند و شرحی از آن نمودها را در سفرنامه‌های خود آوردند. عبداللطیف شوشتری و میرزا صالح کازرونی نیز هر یک شرحی از نهادهای جدید هند انگلیسی و خود انگلستان عرضه کرده بودند،^۱ اما نخست روشنفکرانی مانند میرزا فتح‌علی آخوندزاده و میرزا آقا خان کرمانی بودند که، به دنبال میرزا ملکم خان، و مانند میرزا یوسف خان مستشارالدوله، کوشش کردند دریافتی از مبانی نظری این نمودهای دنیای جدید پیدا کنند. میرزا فتح‌علی یکی از این روشنفکران بود که از اهمیت دستگاه مفاهیم برای

^۱ یادآوری می‌کنم که ترکیب «عدالت‌خانه»، به عنوان معادلی برای House of Justice انگلیسی، نخستین بار، در این دو سفرنامه به کار رفته است. عبداللطیف شوشتری، تحفة العالم، به کوشش صمد موحد، تهران، طهوری ۱۳۶۳، ص. ۲۷۹.